

American Public Diplomacy in Iran Based on Documents Confiscated from the US Embassy in Tehran

Abbas Azimi Kia ¹ | Reza Bigdelo ²

Abstract:

Purpose: Public diplomacy is based on soft power, i.e. by influencing public opinion, and in particular, the elite of the hosting country, which complements formal diplomacy. Since the early 1960s, due to its strategic location, the energy resources of Iran, common borders with former Soviet Union, and increasing dissatisfaction among the Iranian elite and young people toward US policies, the United States pursued active public diplomacy through numerous programs in order to influence opinions in Iran. This paper reports and analyses these programs.

Method and Research Design: Documents confiscated from the US embassy are examined to collect data.

Findings and Conclusion: US public diplomacy attempted actively to change the opinions of the elite, young people, and students in its favor by promoting the American life style, and its social, political and educational values, through employing the media, launching educational and training programs, as well as communicating with the members of the elite.

Keywords:

United States of America, Iran, Public Diplomacy

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

1. PhD Student, Cultural management, National Defense University, Tehran, I. R. Iran.

abbasazimikia@yahoo.com

2. Assistant professor, History, Research Institute of Police Sciences, Tehran, (Corresponding author).

bigdelor@gmail.com

Copyright © 2017-2018, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«111»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2018.2297

Indexed by ISC, SID & Iran Journal | Vol. 28, No. 3, Autumn 2018 | pp: 32-63 (32)

Received: 4, Aug. 2017 | Accepted: 18, Dec. 2017

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیمی

تحلیل دیپلماسی عمومی آمریکا در ایران بر اساس اسناد سفارت آمریکا در ایران

عباس عظیمی کیا^۱ | رضا بیگدلو^۲

چکیده:

هدف: هدف این پژوهش تحلیل دیپلماسی عمومی آمریکا بر اساس اسناد سفارت آمریکا در ایران است. دیپلماسی عمومی با ابتدا بر قدرت نرم و از طریق تأثیرگذاری بر افکار عمومی نخبگان و اقشار مختلف، به عنوان تکمیل کننده دیپلماسی رسمی دولت‌ها عمل می‌کند. از آغازین سال‌های دهه چهل شمسی برنامه‌های معطوف به دیپلماسی عمومی آمریکا در ایران با توجه به موقعیت استراتژیک، منابع انرژی، نزدیکی به مرزهای کمونیسیم و نارضایتی فزاینده نخبگان و جوانان ایرانی از سیاست‌های آمریکا، از طریق برنامه‌های متعدد دنبال گردید. این پژوهش در صدد است، این سؤال را مورد تحلیل قرار دهد که دیپلماسی عمومی آمریکا چه انعکاسی در این اسناد داشته و با استفاده از چه شیوه‌ها و ابزارهایی اعمال می‌شده است.

روش/ رویکرد پژوهش: این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا و بر اساس تحلیل اسناد سفارت آمریکا در تهران انجام شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: دیپلماسی عمومی آمریکا با مخاطب قرار دادن نخبگان، جوانان و دانشجویان، بر آن بود تا با مطلوب جلوه دادن جامعه و سیستم سیاسی، نظام آموزشی و ارزش‌های آمریکایی و با بهره‌گیری از ابزار رسانه، آموزش و تماس با اندیشمندان، افکار عمومی جامعه ایرانی را تحت تأثیر قرار دهد.

کلیدواژه‌ها:

دیپلماسی عمومی؛ آمریکا؛ ایران؛ اسناد سفارت آمریکا در ایران؛ رسانه.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت فرهنگی
دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
abbasazimikia@yahoo.com

۲. استادیار تاریخ پژوهشگاه علوم انتظامی،
تهران، ایران، (نویسنده مسئول).
bigdelor@gmail.com



گنجینه اسناد

«۱۱۱»

فصلنامه علمی- پژوهشی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا(چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا(الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برغود رقمی (DOI): 10.22034/ganji.2018.2297

نماینه در ISC، SID و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۲۸، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۷ | صص: ۳۲-۶۳ (۳۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۵ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۳۰

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

واژه دیپلماسی به معنای هدایت روابط افراد، گروه‌ها و ملت‌هاست. این واژه از جمله واژه‌های سیاسی در عرصه مناسبات بین‌المللی است که طی یک‌صد سال گذشته به اشکال مختلف و پیچیده‌ای از قبیل دیپلماسی تجاری و اقتصادی، فرهنگی، علمی، نظامی و عمومی استفاده شده است. در میان این اشکال، دیپلماسی عمومی یکی از رویکردهای جدید در حوزه دیپلماسی است که در چند دهه گذشته مورد توجه قرار گرفته است. از آنجاکه بسیاری از محققان، دیپلماسی عمومی را یکی از منابع اصلی قدرت نرم می‌دانند (نائینی، ۱۳۹۱، ص ۸۴)، این شکل از دیپلماسی اهمیت بیشتری از سایر اشکال دیپلماسی پیدا کرده است. دیپلماسی عمومی^۱، از دوران جنگ سرد به بعد جایگاهی ممتاز در راهبردهای سیاسی و امنیتی کشورها پیدا کرده است و دلیل آن، تحول در ساختار قدرت در جهان و جابه‌جایی منابع قدرت از قدرت سخت به قدرت نرم از یک سو و افزایش نقش افکار عمومی در مناسبات بین‌المللی و تأثیرگذاری فرهنگ بر روابط بین‌الملل و نیز اهمیت طبقات اجتماعی در تعیین سیاست‌های خارجی و داخلی از سوی دیگر است.

قدرت نرم^۲، واژه‌ای است که در نظریه‌های روابط بین‌الملل برای توصیف توانایی واحدهای سیاسی برای تأثیرگذاری از طریق شیوه‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی بر رفتار یا منابع سایر واحدها به کار می‌رود. از منظر جوزف نای^۳ تئورسین این مفهوم، قدرت نرم، توانایی به‌دست‌آوردن خواسته‌ها از طریق ایجاد جذابیت به جای اجبار است (نای، ۱۳۸۹، ص ۲۴)؛ این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و... انجام می‌شود. قدرت نرم، فقط نفوذ نیست، هرچند یکی از ابزارهای نفوذ است. قدرت نرم، توانایی شکل‌دادن به سلاطین و اولویت‌های دیگران است و بیش از سایر اشکال قدرت اهمیت دارد (Rugh, 2009, p4). به‌طور کلی، زمانی که سیاست‌ها در چشم دیگران مشروعیت می‌یابد، قدرت نرم تقویت شده است (صبوری، ۱۳۹۰، ص ۳۷). مؤلفه‌های قدرت نرم شامل دسته‌ای از توانایی‌های کشورها از جمله فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی، نوع حکومت، روحیه ملی و سیاست خارجی عامه‌پسند است. قدرت نرم، افکار عمومی خارج و داخل کشور را مخاطب قرار می‌دهد. از نظر بسیاری از پژوهش‌گران، قدرت نرم ارزش و اهمیتی برابر با قدرت نظامی دارد؛ زیرا اگر دولتی بتواند سیاست‌هایش را در نظر دیگر کشورها مشروع جلوه دهد، با کمترین مخالفت در برابر آن‌ها مواجه می‌شود؛ علاوه بر این، وجود ایدئولوژی و فرهنگ جذاب و سرگرم‌کننده، تمایل افراد را به این‌گونه برنامه‌ها افزایش می‌دهد و آن دولت قادر می‌شود تا حمایت نهادهای بین‌المللی را در راستای اهداف خود جلب کند (علی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۳).

1. Public diplomacy
2. Soft power
3. Josef nye



اگر ابزارهای نفوذ کشورها در کشورهای دیگر را به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم کنیم، دیپلماسی عمومی، زیرمجموعه ابزارهای غیررسمی است؛ چون هدف آن، گسترش نظام‌مند اطلاعات برای نفوذ و تأثیرگذاری بر افکار عمومی است. به‌طور کلی، دیپلماسی عمومی تکمیل‌کننده دیپلماسی رسمی است. دیپلماسی عمومی برخلاف دیپلماسی رسمی و سنتی، علنی و بسیار گسترده است؛ در صورتی که دیپلماسی دولتی معمولاً غیرشفاف و محدود است. آنچه در دیپلماسی رسمی به آن توجه می‌شود، نوع عملکرد دولت‌ها و روش مواجهه با آنهاست؛ در حالی که موضوع دیپلماسی عمومی، نوع رفتار و نگرش مردم است؛ بنابراین مخاطبان دیپلماسی عمومی، گروه‌های خاص یا عموم مردم یک جامعه هستند. دیپلماسی عمومی برنامه‌های مورد حمایت دولت‌ها در سیاست خارجی است؛ از جمله: تصاویر متحرک (سینما، فیلم، پویانمایی)، تبادلات فرهنگی، انتشار کتاب، ایجاد کتابخانه، پخش شبکه‌های رادیو و تلویزیونی بین‌المللی، آموزش زبان، نمایشگاه‌ها، جشنواره‌های هنری و اعزام هنرمندان نمایشی به خارج از کشور، دادن بورسیه‌های دانشجویی، ایجاد انجمن‌های دانشجویی برای مدیریت دانشگاه‌ها و نشان دادن جنبه‌های مثبت کشور.

سیاست خارجی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم و با ارائه دکترین ترومن، بر اساس تقابل دو ایدئولوژی متخاصم سرمایه‌داری و کمونیسم استوار شد. این دو ایدئولوژی در حوزه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رودرروی هم قرار گرفتند. انگلستان بعد از جنگ جهانی دوم به علت ضعف مفرط مجبور شد رهبری صحنه بین‌الملل را به نفع آمریکا ترک کند؛ بنابراین آمریکا در مقام رهبر بلوک غرب در مقابل تهدیدهای کمونیسم در هر نقطه از جهان، احساس مسئولیت می‌کرد. بدین جهت، نگاه دولت مردان آمریکایی به مقوله دیپلماسی عمومی، به‌طور کامل عوض شد. دولت مردانی مانند فولبرایت و مک‌لیش^۱ می‌گفتند: در جهان تقسیم‌شده‌ای که موضوع و محور اصلی آن فرهنگ است، روابط فرهنگی اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا فرهنگ مانند همه چیز است و در چنین جهانی، شکست یک فرهنگ، شکست یک جبهه خواهد بود. در مناطقی استراتژیک مانند ایران و خاورمیانه، حساسیت برای مسائل فرهنگی و دیپلماسی عمومی بسیار شدید بود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، روابط ایران و آمریکا وارد مرحله‌ای جدید شد. روابط سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی به گونه‌ای بی‌سابقه افزایش یافت؛ به طوری که سفارت آمریکا در تهران به بزرگ‌ترین هیئت دیپلماتیک آمریکا در خاورمیانه تبدیل شد و تعداد کارکنان آن به دو هزار نفر افزایش یافت (سولیوان و پارسونز، ۱۳۸۴، ص ۳۵). از سوی دیگر، وجهه عمومی آمریکا در جهان سوم عموماً و در ایران خصوصاً، به شدت دچار خدشه

1. A. Macleish



شده بود و دیگر از آن نگاه مثبت ایرانیان در قبل از جنگ جهانی دوم به این کشور نه تنها چیزی باقی نمانده بود، بلکه ایرانیان به دلایل متعدد مانند اقدام آمریکا به کودتای ۲۸ مرداد، حمایت از شخص شاه، تأسیس ساواک و... به شدت از این کشور متنفر شده بودند و اعتبار آمریکا در چشم بسیاری از ایرانیان در دو دهه منتهی به انقلاب، به شدت دچار خدشه شده بود (Blake, 2009, p188). گروه‌ها و احزاب چپ، امپریالیسم آمریکا را جان‌نشین استعمار انگلستان می‌دانستند و تبلیغات آن‌ها علیه آمریکا با عقیده بسیاری از گروه‌های مذهبی و حتی ملی هم گره خورده بود. در چنین شرایطی بود که برنامه‌های فرهنگی-اجتماعی آمریکا در ایران و جهان به موازات برنامه‌های اقتصادی-سیاسی این کشور وارد مرحله جدیدی شد که عمدتاً از آن با نام دیپلماسی عمومی یاد می‌شود.

پس از تصرف سفارت آمریکا در تهران توسط دانشجویان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، اسناد فراوانی حاوی اطلاعات و داده‌های ارزشمند و گران‌بها به دست آمد که متأسفانه محققان تاکنون کمتر به آن‌ها توجه کرده‌اند. این اسناد، در موضوعات مختلف قابلیت تحقیق و پژوهش دارد؛ یکی از این موضوعات دیپلماسی عمومی است. در حال حاضر این اسناد در مجموعه‌ای ۸ جلدی بالغ بر ۶۹۲۰ صفحه در دسترس است. محدوده زمانی این اسناد از خرداد ۱۳۲۱ شمسی (ژوئن ۱۹۵۰ میلادی) تا سال ۱۳۵۸ شمسی است. این پژوهش بر آن است که با استفاده از روش تحلیل محتوا و اتکا به این اسناد این پرسش را بررسی کند که اهداف آمریکا از دیپلماسی عمومی در قبال ایران چه بوده است و این کشور از چه ابزارها و شیوه‌هایی برای تحقق این اهداف بهره می‌برده است؟

پیشینه تحقیق: متأسفانه با وجود اهمیت و حجم زیاد اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا در ایران، تاکنون به محتویات این اسناد برای بررسی و پژوهش، تحلیل محتوا و یافتن اهداف و برنامه‌های آمریکا در ایران زیاد توجه نشده است. گروه پژوهش بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌های انقلاب اسلامی در چشم‌انداز اسناد لانه جاسوسی آمریکا در ایران» فقط به بررسی یکی از اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا با عنوان «چه اشتباهی در ایران رخ داد؟» پرداخته است. سید محمدحسین منظورالاجداد (۱۳۷۸) هم در مقاله‌ای با عنوان «مجموعه اسناد لانه جاسوسی؛ ضرورت نگاه دوباره» بحث اصالت برخی از اسناد را مطرح کرده و یادآور شده است که درباره سندشناسی این اسناد پرسش‌هایی مطرح است که باید پاسخ داده شود. حمید فزونی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «آیت‌الله بهشتی و اسناد لانه جاسوسی» اسناد مذاکرات شهید بهشتی با سفارت آمریکا را بررسی کرده است. ولی تاکنون درباره دیپلماسی عمومی آمریکا بر پایه این اسناد پژوهشی درخور انجام نشده است.

۱. سند شماره ۱۲



۲. مبانی نظری

دیپلماسی عمومی یکی از اشکال چندگانه دیپلماسی است (نائینی، ۱۳۹۱، ص ۸۶) که در بسیاری از ویژگی‌ها با پروپاگاندا مشترک است (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۳۶). کریستوفر راس^۱، دیپلماسی عمومی را شبیه اقدامات دیپلماتیک می‌بیند؛ با این تفاوت که فقط دو طرف آن فرق می‌کنند. دیپلماسی سنتی دربرگیرنده «تبادل» میان نمایندگان دو حکومت است؛ ولی دیپلماسی عمومی شامل پیشبرد منافع ملی یک کشور از طریق تعامل با طرف‌های غیردولتی در دیگر کشورهاست (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۳۶)؛ به عبارت دیگر منظور از دیپلماسی عمومی دستیابی به اهداف سیاسی از طریق کار با عموم مردم در کشورهای خارجی و نفوذ در دیدگاه‌های افراد و سازمان‌های خارجی است (نائینی، ۱۳۹۱، ص ۸۶). از دیدگاه گیفورد مالون^۲، دیپلماسی عمومی عبارت است از ارتباط مستقیم یک دولت با مردم کشورهای دیگر با هدف تأثیرگذاری بر نحوه تفکر آن‌ها و درنهایت تأثیرگذاری بر سیاست دولت‌های آن‌هاست. هانس تاچ^۳ نیز دیپلماسی عمومی را این‌گونه تعریف کرده است: رویه‌های ارتباط یک دولت با مردم کشورهای دیگر با استفاده از رسانه‌های گروهی به منظور ایجاد درکی درست از اهداف، انگاره‌ها، نهادها، فرهنگ و سیاست‌های آن دولت (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰، ص ۸۲). ساندرز^۴ معتقد است: دیپلماسی عمومی فعالیتی سازمان‌یافته است که طی آن یک کشور تلاش می‌کند تا با خلق تصویری مثبت و آبرومندانه از فرهنگ خود به جذب قلوب و اذهان ملل دیگر پردازد و آن‌ها را با اهداف امنیت ملی و سیاست خارجی خود همراه کند. حتی برخی از کشورها همانند آمریکا از این حد نیز فراتر می‌روند و در قالب دیپلماسی عمومی به تبلیغات منفی سیاسی ضد دولت هدف می‌پردازند و با ایجاد بی‌ثباتی و تزلزل فرهنگی، در راستای براندازی آن حکومت تلاش می‌کنند (ایزدی و ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰، ص ۳۴). بی‌طرفانه‌ترین تعریف، دیپلماسی عمومی را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرایندی دولتی از برقراری ارتباط با مردم کشورهای دیگر، در راستای ایجاد فهمی از ایده‌ها و ایدئال‌ها، نهادها و فرهنگ و نیز اهداف سیاسی و خطه‌های ملت خود». کمیسیون مشورتی دیپلماسی عمومی آمریکا تصریح می‌کند: هدف مرکزی دیپلماسی عمومی «ترویج سیاست‌ها» است. این کمیسیون، دیپلماسی عمومی را چنین تعریف می‌کند: فرایند «اطلاع‌رسانی و تعامل و تأثیرگذاری بر مردم کشورهای دیگر؛ به گونه‌ای که مردم آن کشورها در نتیجه این فعالیت‌ها، حکومت‌های خود را ترغیب کنند تا از سیاست‌های کلیدی آمریکا حمایت کنند» (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۳۶).

1. Christopher Ross
2. Gifford Malone
3. Hans Tuch
4. saunders



۲.۱. قدرت نرم

مبنای دیپلماسی عمومی بر اعتقاد به قدرت نرم استوار است. تحلیل گران سیاسی میان «قدرت سخت» و «قدرت نرم» تمایز قائل اند و منظورشان این است که دولت‌ها، بدون نیاز به توسل هر باره به قدرت نظامی می‌توانند اقتدارشان را به شیوه‌های مختلف اعمال کنند (معلوف، ۱۳۹۰، ص ۴۶). مفهوم قدرت نرم را ابتدا «جوزف نای»^۱ مطرح کرد. این موضوع به طرح چشم‌انداز نوینی در مطالعات سیاسی-امنیتی منجر شد که می‌توان از آن به نرم‌افزارگرایی قدرت تعبیر کرد؛ تحولی بزرگ که نه تنها اهداف، بلکه ابزارهای اعمال قدرت را هم تحت تأثیر قرار داد. با عنایت به اهمیت مفهومی و کاربرد عملی اصطلاح «نرم‌افزارگرایی» شاهد توسعه سریع آن در بخش‌های متفاوتی از دانش و عمل سیاسی هستیم که نتیجه آن را در تولید مفاهیم تازه‌ای همچون «تهدید نرم»، «امنیت نرم»، «استراتژی نرم»، «سیاست نرم»، «جنگ نرم» و... می‌توان مشاهده کرد (عسگری، ۱۳۹۰، ص ۹). امروزه با توسعه حوزه‌های نفوذ قدرت نرم در روابط بین‌الملل و ترکیب پیچیده آن با عناصر سخت از قبیل توان نظامی و اقتصادی، فضاهایی جدید در برابر تئوری پردازان قدرت باز شده است تا با بازتعریف منافع ملی و عناصر بومی شکل دهنده به اقتدار ملی، این مفهوم را از زنگار یک‌جانبه قوای قهریه برهانند و رنگی انسانی‌تر و به مراتب هوشمندانه‌تر به آن بزنند (گروه مطالعات امنیت دانشکده امنیت ملی، ۱۳۹۰، ص ۵۸). جوزف نای استدلال می‌کند که در قرن جدید، ایالات متحده نباید تنها بر حفظ قدرت اقتصادی و نظامی (قدرت سخت) خود تکیه کند، بلکه باید در جهت جذابیت فرهنگ، ارزش‌ها و نهادهایش (قدرت نرم) تلاش کند؛ بنابراین آمریکا نیازمند بعد دوم قدرت خود به نام «قدرت نرم» است (نائینی، ۱۳۹۱، ص ۷۲). باید توجه داشت، روزی که اتحاد شوروی فروپاشید، صرفاً از لحاظ قدرت نظامی و وسایل کافی برای نابودسازی دشمنانش را در اختیار داشت؛ ولی این لشکرهای زره‌پوش، چند مگا تن بمب، یا تعداد کلاهک‌ها نبودند که پیروزی یا شکست را رقم می‌زدند. البته عوامل مذکور برای حفظ قدرت‌های بزرگ لازم است، ولی به هیچ وجه کافی نیست. در همه رویارویی‌ها - میان افراد، میان گروه‌های انسانی، همچنین میان دولت‌ها - عوامل متعددی دخالت دارند که خاستگاهشان قدرت فیزیکی، توانمندی اقتصادی، یا برتری اخلاقی است. در خصوص اتحاد جماهیر شوروی، روشن است که این کشور از لحاظ اخلاقی اعتباری نداشت، از لحاظ اقتصادی هم ناتوان بود و این موضوع بازوی فوق‌العاده نیرومند نظامی‌اش را از کار انداخته بود (معلوف، ۱۳۹۰، ص ۴۶).

اصولاً قدرت نرم از جنس اقناع است و شامل مفاهیم زیر است:

— توانایی برای نفوذ غیرمستقیم در رفتار و علاقه مردم کشورهای دیگر با ابزارهای

فرهنگی و ایدئولوژیک؛

I. Joseph S. Nye



- رسیدن به نتایج دلخواه بدون هزینه محسوس و تهدید؛
 - هدایت دیگران به استقبال از آنچه شما به دنبال آن هستید؛
 - تأثیر گذاشتن بر ارزش‌ها، نهادها و سیاست‌های کشورهای هدف؛
 - استفاده از روش‌های غیرمستقیم برای رسیدن به اهداف؛
 - تولید جذابیت برای متقاعدسازی و همراه‌سازی دیگران؛
 - تن دادن به خواسته‌های شما از روی رضایتمندی؛
 - به دست آوردن اهداف با جذب و اقناع دیگران؛
 - توانایی شکل دادن به علایق دیگران؛
 - توانایی شکل دهی ترجیحات دیگران؛
 - ایجاد حس مشروعیت برای اهداف بین‌المللی یک کشور (نائینی، ۱۳۹۱، ص ۷۳).
- اکثر صاحب‌نظران پنج مؤلفه و عنصر اساسی را برای قدرت نرم بررسی کرده‌اند؛ این مؤلفه‌ها و عناصر عبارت‌اند از:
- الف. مؤلفه و عنصر روان‌شناختی قدرت نرم مانند تعداد تحصیل‌کردگان، شمار دانشمندان، اراده عمومی ملت، انگیزه، شوق و اشتیاق فراوان شهروندان، نشاط و شادابی در توده‌های مردم و خودباوری زیاد در اغلب شهروندان؛
- ب. مؤلفه و عنصر اجتماعی قدرت نرم مانند میزان انسجام اجتماعی، عشق‌ورزیدن مردم به کشورشان، بالیدن مردم به گذشته تاریخی و فرهنگی‌شان و میزان سرمایه اجتماعی؛
- پ. مؤلفه و عنصر سیاسی قدرت نرم مانند میزان مشروعیت سیاسی نظام حاکم، برخورداری از حمایت توده‌های مردم، شکل‌گیری نهادهای مدنی و اداره دموکراتیک جامعه؛
- ت. مؤلفه و عنصر علمی قدرت نرم مانند تولیدات علمی، تعداد مراکز آموزش عالی، کسب جوایز در جشنواره‌های جهانی، توانایی فناورانه، تعداد دانشجویان خارجی مشغول تحصیل و بالاخره میزان سهم در تولید و نشر اطلاعات جهانی؛
- ث. مؤلفه و عنصر فرهنگی قدرت نرم مانند برخورداری از ایدئولوژی جذاب، برخورداری از ارزش‌های پایدار و جهان‌شمول، برخورداری از هنجارهای مقبول، کم‌بودن میزان تضاد و تعارض ارزشی به‌ویژه ارزش‌های اخلاقی در میان آحاد جامعه، میزان مقبولیت الگوها، سرانۀ تولیدات هنری و میزان شاخص‌های فرهنگی (تولید کتاب، نرخ کتاب‌خوانی و...) (نائینی، ۱۳۹۱، صص ۹۱-۹۶).
- درخصوص مؤلفه و عنصر سیاسی قدرت نرم از نظر محققانی همچون راجرز (۲۰۰۶) چگونگی اعمال سیاست‌های یک کشور در سایر کشورها، بر قدرت نرم آن کشور تأثیر می‌گذارد (نائینی، ۱۳۹۱، ص ۸۷). از نگاه جوزف نای، سیاست خارجی - زمانی که در



چشمان بقیه مشروع جلوه کند- یکی از مهم ترین مؤلفه‌ها و منابع قدرت نرم است (نائینی، ۱۳۹۱، ص ۸۴). جوزف نای دیپلماسی عمومی را ابزار قدرت نرم می‌بیند. او معتقد است که قدرت نرم آمریکا «توانایی این کشور برای جذب دیگران با مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های آمریکا و ارزش‌های پایه این سیاست‌ها» است (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۳۹).

۲.۲. پروپاگاندا

اصطلاح پروپاگاندا، برخلاف معانی منفی‌اش در باور عمومی، فرایندی ارتباطی است که با ترغیب، رابطه‌ای تنگاتنگ دارد و هدف از آن لزوماً جهت‌دهی منفی به افکار عمومی نیست. دقیق‌ترین معنای لفظی پروپاگاندا عبارت است از «منتشر ساختن»^۱ یا «ترویج کردن»^۲ پاره‌ای از افکار و دیدگاه‌ها. هدف از این کار، تقویت، جایگزین کردن، یا تعدیل گرایش‌ها و رفتارهای گروهی از مخاطبان است (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۷). هارولد لاسول^۳ پروپاگاندا را چنین توصیف کرده است: «مدیریت گرایش‌های جمعی با استفاده از نمادهای مهم از طریق داستان‌ها، شایعه‌ها، گزارش‌ها، تصاویر و دیگر اشکال ارتباط اجتماعی» (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۹). نلسون^۴ پروپاگاندا را چنین تعریف می‌کند: «شکلی منظم از اقناع هدفمند که می‌کوشد عواطف، نگرش‌ها، افکار و اعمال مخاطب هدف مشخص شده را برای اهداف ایدئولوژیک، سیاسی، یا تجاری با انتقال پیام‌های یک‌پهلوی - که ممکن است واقعی باشند یا نباشند- و از طریق مجراهای رسانه‌ای جمعی و مستقیم، تحت تأثیر قرار دهد» (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۸). کلاین برگ در کتاب «روانشناسی اجتماعی»، تعریف یونگ از تبلیغات را این‌گونه نقل می‌کند: «پروپاگاندا و تبلیغات غربی عبارت است از نشر افکار و وضعیت‌هایی رفتاری که موضوع واقعی را برای شنونده یا خواننده به‌روشنی بیان نمی‌کند» (نائینی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۶). دیوید ولش^۵ می‌گوید: پروپاگاندا «تلاشی عامدانه برای تأثیرگذاری بر عقاید مخاطب از طریق انتقال ایده‌ها و ارزش‌ها برای هدفی مشخص است که به‌طور آگاهانه برای محقق کردن منافع مجری پروپاگاندا و اربابان سیاسی او، خواه به‌گونه‌ای مستقیم و خواه غیرمستقیم، طراحی شده است» (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۹).

۲.۳. افکار عمومی

تاکنون هیچ تعریفی از «افکار عمومی» وجود ندارد که همگان آن را پذیرفته باشند. باوجوداین، پژوهش‌گران دست‌کم در این باره اتفاق نظر دارند که افکار عمومی، مجموعه‌ای از افکار درباره موضوعی موردعلاقه در میان مردم است (مانی‌فر، ۱۳۹۲). افکار عمومی، قضاوت لحظه‌ای و مقطعی درباره موضوعی خاص است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳). بیشتر

1. Disseminate
2. Promote
3. Harold D. Lasswell
4. Richard Alan Nelson
5. David Welch



پژوهش‌گران بر این باورند که افکار عمومی می‌تواند بر رفتار فردی و گروهی شهروندان و سیاست دولت‌ها تأثیر بگذارد (مانی‌فر، ۱۳۹۲). در واقع برخلاف باور عمومی که افکار عمومی را فاقد پویایی و یا دارای حالتی خنثی می‌داند، افکار عمومی تشکیل‌دهنده نیرویی جمعی است که قادر به اعمال فشار است (نائینی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۴). البته باید دانست که در مسیر شکل‌گیری افکار عمومی نیز سه رکن اساسی وجود دارد که به ترتیب عبارت‌اند از: «کانال‌های ارتباطی» که ترکیبی از رسانه‌های جمعی هستند؛ «مسائل و موضوع‌های مهم» که بر اثر بروز حوادث و اتفاقات در محیط پیرامون رخ می‌دهند و در رسانه‌های جمعی بازتاب پیدا می‌کنند و «عموم مردم» که دیدگاه‌های مختلف دارند و دست‌کم به دو دیدگاه عمده و یا بیشتر تقسیم می‌شوند و درباره این مسائل به صورت نوشتاری و دیداری و شنیداری داوری و ابراز عقیده می‌کنند (مانی‌فر، ۱۳۹۲). کتاب، مطبوعات، رادیو، تلویزیون و فن‌آوری‌های ارتباطی در شمار ابزارهای پر قدرت برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی‌اند (نائینی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۴).

۲.۴. اشکال دیپلماسی عمومی

به‌طور کلی قبل از دهه ۱۹۹۰، دیپلماسی عمومی نقشی حاشیه‌ای داشت و ابزاری در خدمت دستگاه‌های دیپلماتیک ملی بود؛ سطح ارتباط آن با مردم محدود بود و با تبلیغات یا امور خارجی یا دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای برابر دانسته می‌شد و به قول cull فناوری‌های استفاده‌شده در آن آنالوگ بودند. جریان اطلاعات در این فناوری‌ها یک‌سویه بود و این فناوری‌ها قادر به تبادل حجم پایین اطلاعات بودند. این ابزارها در کنترل دولت‌ها بودند و به علت ارتباط یک‌طرفه، زمینه تأثیرگذاری آن‌ها پایین بود. ولی از اوایل هزاره سوم میلادی شاهد نوعی دگردیسی و تحول در اصطلاح دیپلماسی عمومی و استفاده از واژه «دیپلماسی عمومی نوین» هستیم و این مفهوم به گونه‌ای بازتعریف شده است که با قلمرو عمومی جدید جهانی سازگار باشد (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰، ص ۸۲). ملیسن مهم‌ترین تمایز میان دیپلماسی عمومی سنتی و عمومی نوین را جهت‌گیری ارتباط می‌داند. به لحاظ سنتی، دیپلماسی به‌طور کلی و دیپلماسی عمومی به‌طور خاص، در یک «الگوی سلسله‌مراتبی دولت‌محور» از روابط بین‌الملل دیده می‌شد؛ ولی دیپلماسی عمومی نوین در «محیطی شبکه‌ای» عمل می‌کند؛ به‌نحوی که مردم فعالانه در دادن و گرفتن پیام مشارکت می‌کنند (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۸۷).

بنابراین برخلاف دیپلماسی عمومی سنتی، در دیپلماسی عمومی نوین، دولت‌ها نقش مسلط و محوری ندارند و بازیگران غیردولتی مانند مراکز دانشگاهی، جوامع معرفتی،



خبرنگاران، روزنامه‌نگاران، هنرمندان، بنیادهای خصوصی و غیره پذیرفته شده است. دولت‌ها در این نوع دیپلماسی نقش اصلی دارند، ولی از ظرفیت و همکاری بازیگران دولتی نیز استفاده می‌کنند. افزون بر این، دیپلماسی عمومی نوین برخلاف دیپلماسی عمومی سنتی طبیعتی چند چهره دارد؛ و هم‌زمان به ارتباط و تأثیرگذاری بر افکار عمومی داخلی و خارجی توجه دارد و بیشتر، از رسانه‌ها و شبکه‌های جدید ارتباطی استفاده می‌کند که ماهیتی تعاملی دارند و ارتباط آن‌ها با مردم عمیق‌تر و روش‌های ارتباط و تأثیرگذاری آن‌ها نیز پیچیده‌تر است (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰، ص ۸۳) و بالاخره آنچه دیپلماسی عمومی نوین را از دیپلماسی عمومی سنتی متمایز می‌کند، میزان التزام عملی آن به روابط متقارن دوسویه به جای پروپاگاندا یک‌سویه است (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۹۵).

۲.۵. عناصر و ابزار دیپلماسی عمومی

عناصر و ابزار دیپلماسی عمومی متعدّدند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. یکی از روش‌های مؤثر اعمال دیپلماسی عمومی، به‌ویژه در کشورهای خارجی، استفاده برنامهریزی شده از تبلیغات و رسانه است (نائینی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۴). بیشتر کشورهای کمتر توسعه‌یافته جهان سوم برای تولید محصولات فرهنگی، به کشورهای غربی و در اصل آمریکا وابسته‌اند. به عقیده حمید مولانا، شکستن این قالب وابستگی به علت اتکای تکنولوژیک کشورهای جهان سوم بر کشورهای غربی در زمینه سخت‌افزارهای تولید (مانند استودیو، چاپخانه و...) و نرم‌افزارهای آن (مانند محتوای واقعی، حقوق نمایش محصولات، مدیریت و...) و نیز سخت‌افزار توزیع (مانند دستگاه‌های فرستنده، ماهواره‌ها و...) و نرم‌افزار آن (مانند تبلیغات، بازاریابی و...) تقریباً ناممکن است (ایزدی و کاردان، ۱۳۹۰، ص ۸۱).

ب. یکی دیگر یکی از ابزارهای دیپلماسی نرم [عمومی] غرب در جنگ نرم، اعطای بورس تحصیلی و جذب دانشجوی و متخصص به آمریکا است؛ روشی که آمریکا در طول جنگ سرد علیه شوروی به کار برد و همین فارغ‌التحصیلان عاملی در براندازی نرم در شوروی سابق بودند. عباس میلانی مدیر پروژه دموکراسی در ایران در دانشگاه استنفورد آمریکا می‌گوید: با حمایت از بورس دانشجویی می‌توان دیپلماسی نرم را با دیگر سازوکارهای تکمیلی به پیش برد. او می‌گوید: اعطای بورس به ایرانیان باید افزایش یابد، ویزا گرفتن برای ایرانیان - به دلیل فقدان سفارت آمریکا در ایران - تسهیل شود و مطالعات ایران و اسلام و شیعه‌شناسی در آمریکا شکل گیرد (بصیری، ۱۳۹۱، ص ۱۶۸). شاید به همین سبب است که جوزف نای (۲۰۰۶) از حضور دانشجویان و متخصصان کشورهای



دیگر در آمریکا، به‌عنوان یکی از عوامل افزایش دهنده قدرت نرم آمریکا یاد می‌کند (نائینی، ۱۳۹۱، ص ۴۶۹).

پ. سومین ابزار دیپلماسی عمومی آموزش زبان انگلیسی است. رابرت ستلاف^۱ آمریکایی، ترویج زبان انگلیسی را به‌عنوان یکی از ابزارهای انتقال ایده‌های غرب به ایران پیشنهاد می‌کند (بصری، ۱۳۹۱، ص ۱۶۶).

ت. ابزار بعدی دیپلماسی عمومی، فرهنگ و ارزش‌های آمریکایی یا همان دیپلماسی فرهنگی است (پوستین چی و بالازاده، ۱۳۹۲، ص ۸۶). جوزف نای اذعان دارد که با به خدمت گرفتن دیپلماسی عمومی و استفاده از جذابیت‌های فرهنگ و ارزش‌های آمریکایی و با کمک تبلیغات و روش‌های نفوذ می‌توان نگرش‌ها، ترجیحات و رفتار کشورهای خاورمیانه (به‌ویژه ایران) را تحت تأثیر قرار داد و تغییرات مطلوب را در آن ایجاد کرد (نائینی، ۱۳۹۱، ص ۸۰).

ث. سیاست حمایتی و طرفداری پنجمین عنصر و ابزار دیپلماسی عمومی است (پوستین چی و بالازاده، ۱۳۹۲، ص ۸۶).

ج. گردشگری، هم به‌عنوان ابزار و هم به‌عنوان عامل توسعه دیپلماسی عمومی می‌تواند نقش ایفا کند (رضایی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۰).

چ. گروهی از محققان مانند برمن و همکارانش معتقدند که سخنرانی، برنامه‌های هنری و طیف گسترده‌ای از تبادلات و جلسات چهره به چهره از جمله عناصر دیپلماسی عمومی‌اند (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴).

ح. رسانه، ابزار دیپلماسی عمومی آمریکا: رسانه، بازوی دیپلماسی عمومی کشورهاست. کشورها برای پیشبرد سیاست‌های خود از رسانه‌ها استفاده می‌کنند. یکی از راه‌های بسیج افکار عمومی در راستای خواسته‌های دولت‌ها، استفاده از پروپاگانداي رسانه است (عابدینی، ۱۳۹۴). این رسانه‌ها هستند که در جهت منافع کشورها و بازیگران صحنه بین‌الملل هر گزارش درست یا نادرستی را عرضه می‌کنند و با تشویش افکار عمومی علیه کشور یا موضوعی خاص، فشارهای مختلفی را بر حریف یا حریفان خود وارد می‌کنند و یا با جلب افکار عمومی به سیاست‌های خود و همراه کردن این افکار با خود، به اهدافشان می‌رسند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴).

متفکران رسانه‌های جمعی آمریکایی، مانند دانیل لرنر^۲ و ویلبر شرام، رسانه‌های جمعی را مجراهایی آرمانی برای ترویج نوسازی غرب‌محور در کشورهای جهان سوم معرفی می‌کردند. این پژوهش‌گران، نظریه خوش‌بینانه نوسازی را با نظریه وابستگی جایگزین کردند (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۴۱). استفاده آمریکا از رسانه‌های جمعی و بنیادهای

1. rabert stelaf

2. Daniel Lerner



سیاسی به‌عنوان وسیله‌ای برای انتقال فرهنگ را می‌توان در جهت حمایت آن کشور از طرح‌های دموکراتیک‌سازی و ابزار برای جلوگیری از پیشروی کمونیسم یا اسلام‌گرایی ضدآمریکایی در کشورهای جهان سوم دانست. پژوهش‌گران (شیلر^۱ ۱۹۶۹، دُورفمن^۲ و متلارت^۳ ۱۹۷۱، اسمایت^۴ ۱۹۸۱) با ترویج نظریه وابستگی فرهنگی که امپریالیسم فرهنگی نیز نامیده می‌شود، امپریالیسم رسانه‌ای را همانند اسلوب جدیدی از غلبه، برای تقویت وابستگی کشورهای جهان سوم و بازداشتن آن‌ها از توسعه می‌بینند (ایزدی و کاردان، ۱۳۹۰، ص ۸۰). اگر به گذشته بنگریم خواهیم دید که صدای آمریکا^۵ (VOA) یکی از حربه‌های اصلی اثرگذاری [بر شوروی] بود. برنامه‌های دیپلماسی عمومی آمریکا اساساً ایده‌رؤیای آمریکا را در مقابل جهان متروک و غم‌افزای کمونیست شوروی تبلیغ می‌کردند (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۵۸). گفتنی است که در وضعیت کنونی، اهمیت فناوری‌های رسانه‌ای برای امپریالیسم فرهنگی، بیشتر به دلیل شتاب بی‌نظیری است که این فناوری‌ها به انتقال فرهنگی می‌دهند (ایزدی و کاردان، ۱۳۹۰، ص ۸۱).

۳. بررسی دیپلماسی عمومی آمریکا در اسناد سفارت آمریکا در ایران

۳.۱. سیاست رسمی آمریکا در قبال شاه

به‌طور کلی حمایت از دولت پهلوی و شخص شاه، سیاست تغییرناپذیر آمریکا در ایران دوره پهلوی بود. در سندی سرّی و بدون تاریخ آمده است که شاه فعلاً از عهده حفاظت منافع اصلی امنیتی آمریکا در ایران برمی‌آید و تنها شخصیتی است که می‌تواند رهبر ایرانیان شورشگر باشد. بدین طریق تا ظهور منبع قدرت مؤثر دیگری - که ما انتظار آن را طی ۲ تا ۵ سال آینده نداریم - حمایت از شاه بر اساس اهداف زیر است: جلوگیری از نفوذ و توسعه‌طلبی شوروی، در دسترس قراردادن خاک ایران برای نیروهای غربی به‌منظور امتیازات پروازی، ترغیب توسعه روابط با کشورهای دوست در خلیج فارس.

برخی دیگر از اهداف و برنامه‌های آمریکا در ایران به این شرح متصور می‌شود:
- تکامل روابط دوجانبه جدید بین آمریکا و ایران در جوی که درک عمومی ایرانیان رو به افزایش است و نقش ایالات متحده در کمک به ایران برای توسعه ملی بیشتر به‌جای هدایت مسیر آن؛

- دولتی مؤثر در ایران، از راه افزایش نیرو و بهبود وضع اداری، به کسب احترام بیشتری به‌ویژه در بین روشن‌فکران منجر خواهد شد؛
- اقتصادی سالم که هزینه‌های نظامی و توسعه کشور را متعادل سازد؛
- توسعه و تقویت نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی؛

1. Schiller
2. Dorfman
3. Mattelart
4. Smythe
5. voice of america



- استمرار دسترسی غرب به منابع ایران به‌ویژه نفت و استمرار دسترسی آمریکا به بازار ایران (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۳، صص ۱۰۹۶-۱۰۹۷).^۱

در گزارش تحلیلی دیگری که دفتر بازرسی کل وزارت خارجه آمریکا به‌صورت سری توسط چند بازرس در اکتبر ۱۹۷۴ از ایران تهیه کرده است، اهمیت ایران برای آمریکا چنین آمده است: ایران برای آمریکا از نظر جغرافیایی و نفت حائز اهمیت است. ایران تحت نظر شاه که آمریکا را واجد نقش حیاتی در مساعی خود برای متجددسازی کشورش می‌داند و می‌خواهد آن را از نظر نظامی و صنعتی قوی و متکی به خود سازد، محیطی مناسب برای تعقیب مقاصد آمریکاست (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۲، صص ۶۸۵). موقعیت استراتژیکی ایران، قدرت نسبی آن میان کشورهای خلیج فارس، منابع داخلی و بازار داخلی آن، ایران را برای ایالات متحده کشوری با اهمیت کرده است (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۲، صص ۶۸۹). با وجود اینکه کارگزاران سیاسی آمریکا در ایران، از نارضایتی وسیع دانشجویان و تحصیل‌کردگان ایرانی از سیاست‌های حمایتی آمریکا از شاه، آگاه بودند، ولی تداوم پشتیبانی از شاه را گزینه خود می‌دانستند؛ زیرا از نظر ایالات متحده معامله با یک دیکتاتور خیلی ساده‌تر از معامله با دولتی دموکراتیک بود (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۷۹، ج ۸، صص ۴۶۳). اهمیت این اسناد از آن جهت است که نشان‌دهنده سیاست رسمی دولت ایالات متحده در قبال ایران بوده است؛ سیاستی که برای به‌ثمرنشدن اهداف آن، دیپلماسی عمومی آمریکا می‌بایست طراحی و اجرا می‌شد.

۳.۲. مهم‌ترین گروه‌های هدف در دیپلماسی عمومی آمریکا

از نظر این اسناد، با توجه به روابط گسترده اقتصادی و نظامی، حوزه مبهمی که شایسته بررسی دقیق برای یافتن طرحی برای اجراست، حوزه جوانان است؛ زیرا نارضایتی از سوی جوانان وجود دارد و تماس سفارت با جوانان در سطح شایسته‌ای نیست و کمیته جوانان سفارت اوایل امسال ایجاد یک مجتمع تفکر جوانان را مرکب از کارمندان جوان پیشنهاد کرده است تا روی این موضوع فکر کند که چه کاری باید کرد تا بتوان به جوانان ایرانی نزدیک‌تر شد. برنامه‌های سپاهیان صلح، بازبینی و در نفرت آن‌ها تجدیدنظر شود. با وجود پذیرش این موضوع که دولت آمریکا بدترین دولت است، ولی ایرانیان هنوز نظام سیاسی آمریکا را ترجیح می‌دهند و از این کشور به‌عنوان بهترین محل برای تحصیلات و خوش‌گذرانی و راه‌حل مربوط به مدرن‌سازی کشورشان یاد می‌کنند. پس از بررسی حالت ایرانیان و ریشه‌یابی آن، آیا می‌توان از طریق سیاست عمومی، عملی برای تغییر احساسات افراطیون در زمینه رابطه آمریکا با ایران انجام داد؟ در غیاب اکثر وسایل ارتباط جمعی...

۱. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام.
(۱۳۷۹). اسناد لانه جاسوسی آمریکا. (جلد ۳). تهران: انتشارات جهان کتاب.



فعالیت‌های درون‌کشوری ملایمی مانند تعلیم زبان انگلیسی، ایجاد کتابخانه آزاد، مشاوره دانشجویی و ادامه تماس با اشخاص مهم و تهیه هفته‌نامه یا ماهانه‌هایی که بر اهمیت سیاست بین‌المللی و آمریکا و رابطه آن با ایران تأکید دارند، نوع کارهایی هستند که در صورت وجود امنیت - می‌توانیم انجام می‌دهیم. تشکیل جلسات سخنرانی بزرگ و برنامه فرهنگی در شرایط حاضر خالی از خطر نیست (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۳، صص ۱۳۶۳-۱۳۶۴).

• روشن‌فکران و نخبگان فرهنگی، سیاسی و هنری از دیگر گروه‌های مهم مخاطب برنامه‌های آمریکا بودند. از اقدامات عمده آمریکایی‌ها در ایران در راستای دیپلماسی عمومی شناسایی نخبگان فرهنگی، هنری، دانشگاهی و سیاسی و برقراری رابطه با آن‌ها به روش‌های مختلف بود. در این راستا گزارش‌های متعددی درباره معرفی و ویژگی‌های سیاسی، شخصیتی، خانوادگی، اخلاقی و گرایش‌های مختلف این افراد داده شده است. در گزارشی در ۱۸ شهریور ۱۳۴۶ از افرادی مانند علی اصغر امیرانی، عبدالرضا انصاری، ابونصر عضد، کریم پاشا بهادری، خسرو بهروان، جمشید بزرگمهر، ابوالحسن ابتهاج، خسرو اقبال، سیروس غنی، خداداد فرمان‌فرمایان محمد حجازی، داریوش همایون و ده‌ها نفر دیگر نام برده شده است. این نخبگان به طرق مختلف جذب می‌شدند از جمله همایون با بورسی که بیل میلر برایش فراهم کرد، در دانشگاه هاروارد آمریکا تحصیل کرد (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۱۸۷۸). جواد منصور در انجمن ایران و آمریکا فعالیت داشت و کمک‌های زیادی به سیاست‌های آمریکا کرد (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۱۸۸۱). مهدی پیراسته رئیس انجمن ایران و آمریکا بود (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۱۸۸۲). در سندی سری و غیرقابل رؤیت برای بیگانگان ده‌ها نفر از روشن‌فکران، استادان دانشگاه‌ها، نمایندگان و شخصیت‌های فرهنگی و هنری به‌عنوان رابطان ال-دبلیو-سماکیس^۱ معرفی شده‌اند. (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۱۸۸۶). برای نمونه مخدره ضیایی رابط آمریکا با جامعه روشن‌فکران بود و قبلاً مرکز دانشجویان انجمن ایران و آمریکا را اداره می‌کرد (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۱۹۵۲).

• در مقدمه سندی که در واقع گزارشی تحلیلی از سفارت آمریکا به وزارت امور خارجه است و استیوارد راکول، کاردار موقت آمریکا در ایران در تاریخ ۳۰ آذرماه ۱۳۴۲ فرستاده، آمده است که یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه ایرانی، نارضایتی بخش بزرگی از جامعه روشن‌فکران و جوانان از رژیم پهلوی است. سیمای آمریکا هرچند هنوز مطلوب است، ولی نشانه‌های نگران‌کننده‌ای از احساسات ضدآمریکایی وجود دارد

۱. از مأموران سفارت آمریکا در تهران.



و چون آمریکا از رژیم پهلوی حمایت می‌کند، مورد انتقاد جامعه روشن‌فکری قرار گرفته است. راکول بیان می‌دارد که به دلیل محدودیت‌های دولت، روشن‌فکران و تحصیل‌کردگان هیچ‌گونه تشکل سیاسی برای ارتباط و تبادل اندیشه ندارند و تنها مکان برای بیان نظراتشان همین دوره‌ها هستند؛ بنابراین ما می‌توانیم با کمک این دوره‌ها، موضع خود را بین قشر روشن‌فکر ایرانی بهبود ببخشیم و نحوه تفکرشان را درباره خودمان به صورت مثبت‌تری کانالیزه کنیم. ما از طریق راه‌هایی می‌توانیم گناه همکاری خود را با دولت ایران در اذهان این افراد به حداقل برسانیم، بدون این‌که به دولت ایران لطمه‌ای برسانیم (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۲۷۹). پیشنهاد می‌شود تا ارتباط متقابل فکری را علاوه بر روش‌های معمول، از طریق بصری و غیره هم گسترش دهیم. این موضوع مستلزم تدبیر برنامه‌های جدیدی است که شامل دیدار با روشن‌فکران آمریکایی و نیز تحصیل ایرانیان در دانشگاه‌های معتبر آمریکایی و نیز ایجاد یک موسسه مطالعات ایرانی در تهران است. این تحلیل‌گر، روشن‌فکران را افرادی می‌داند که به دلیل کیفیت تفکرشان به سبب تحصیلاتشان، توانایی تأثیرگذاری بر اذهان دیگران را دارند (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۲۸۰). در بین این افراد، رهبران فعلی و رهبران آینده وجود دارند که آنچه بر اذهانشان می‌گذرد برای ما مهم است.

• در این اسناد تأکید تحلیل‌گران بر اهمیت قشر دانشجویان، چون فرانسه به‌عنوان قبله دانشجویان جایگاه خود را از دست داده و آمریکا در حال تبدیل شدن به مقصد اول دانشجویان است؛ به طوری که از میان ۱۵۰۰۰ دانشجوی ۵۰۰۰ نفر آن‌ها در آمریکا مشغول به تحصیل شده‌اند. خانواده‌های مرفه و دانشجویان با استعداد در دانشگاه‌های آمریکایی جذب می‌شوند و پرستیژ دانشگاه‌های آمریکایی در بین ایرانیان زیاد است. در این اسناد توصیه می‌شود که از ورود دانشجویان ایرانی به مؤسسات غیراستاندارد آمریکایی جلوگیری شود. گزارشگر اظهار خشنودی می‌کند که نسل جدید تکنوکرات‌ها در آمریکا تحصیل کرده‌اند؛ کسانی چون سیروس سمیعی، خداداد فرمان‌فرمایان، رضا مقدم و حسین مهدوی -مغزهای سازمان برنامه ایران- همگی تحصیل کرده دانشگاه‌های مختلف آمریکا هستند (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۲۸۵). جهان‌شاه صالح را که شش ماه پیش شاه به‌عنوان رئیس دانشگاه تهران انتخاب کرده است، خواهان اصلاحات و تغییراتی در نظام آموزشی دانشگاه است تا آن را از سبک فرانسوی به آمریکایی تبدیل کند (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۲۸۸). در گزارش آمده است که سفارت برای سنجش افکار دانشجویان

درباره سیاست‌های آمریکا در ایران نظرسنجی انجام داده و این نظرسنجی نشان‌دهنده نارضایتی و انتقاد دانشجویان از برنامه‌های آمریکاست (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۲۹۴). در پایان این گزارش تحلیلی برای رفع سرخوردگی جوانان و روشنفکران ایران از رژیم و آمریکا پیشنهادهایی برای سیاست‌های دیپلماسی عمومی آمریکا وجود دارد. از آنجاکه گزینه دیگری برای آمریکا به جز حمایت از شاه وجود ندارد، این گزارش پیشنهاد می‌کند که برای کاستن از گناه شریک جرم ایران بودن، چهره آمریکا را برای رهبران آینده ایران تلطیف کنند؛ از جمله حضور سیاستمداران و اندیشمندان آمریکایی در بین روشن‌فکران ایران و مبادله افکار و عقاید که نمونه آن سخنرانی جولیس هولمز سفیر آمریکا در انجمن ایران و آمریکا یا سفر استاد برجسته دانشگاه جفرسون، پرفسور سولک پادوور است که نتایج مثبتی داشته است (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۲۰۹). اداره اطلاعات آمریکا در ایران، سرگرم تهیه برنامه‌ای است که مخاطب آن گروه‌های رهبری‌کننده در تهران و شهرستان‌هاست. از آنجاکه ظرفیت مثبتی درباره پذیرش برنامه‌های آمریکایی در ایران وجود دارد، برنامه‌هایی درباره حضور دانشمندان و اهل قلم آمریکایی بسیار مؤثر خواهد بود. تحلیل‌گر بر آن است که حضور این اندیشمندان و ارائه سخنرانی‌هایی درباره سیستم سیاسی و اجتماعی آمریکا و احساس همدردی درباره فقدان آزادی در ایران هر چند ممکن است سبب اعتراض به سیاست‌های آمریکا در ایران شود، ولی نتایج مثبتی هم خواهد داشت. بورس فولبرایت در زمینه جلوگیری از اعتراض به سیاست‌های آمریکا در حمایت از رژیم شاه، بسیار مفید خواهد بود (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۳۱۱).

۳.۳. روش‌های و ابزارهای دیپلماسی عمومی آمریکا

• **دادن بورس:** اعطای بورس‌های تحصیلی اهمیتی فراوان برای دیپلماسی آمریکا داشته است. علاوه بر دانشجویان، بسیاری از نخبگان سیاسی و فرهنگی هم از این بورس‌ها بهره‌مند می‌شدند. برای نمونه امیر اسدالله علم وزیر دربار و نزدیک‌ترین فرد به شاه دست‌کم سه مرتبه در سال‌های ۱۹۵۷، ۱۹۶۴ و ۱۹۶۶ با بورس اعطایی Leader Grant و نیز برای امور مربوط به دانشگاه پهلوی به آمریکا سفر کرده است. گزارشگر درباره تأثیر این بورس‌ها و ارتباط آمریکایی‌ها با علم می‌افزاید: با وجود اینکه علم طرفدار انگلیس شناخته می‌شود، ولی از چند سال قبل به این نتیجه رسیده است که آینده ایران در گرو روابط نزدیک با آمریکاست (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۶۰۳). عبدالمجید مجیدی که در



پست‌های حساسی چون وزیر تولیدات کشاورزی و رئیس برنامه بودجه قرار گرفته بود، با بورسیه بنیاد فورد وارد مدرسه عالی Lottner دانشگاه هاروارد شد؛ همچنین دوره کوتاه‌مدت چندماهه‌ای را هم در حسابداری و بودجه‌ریزی زیر نظر برنامه مساعدت‌های آمریکا (AID) در واشنگتن گذراند و در بازگشت به ایران در دولت منصور به ریاست برنامه بودجه منصوب شد (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۸، صص ۶۳۵ و ۶۴۱). علاوه بر بورس‌های تحصیلی، بورس‌های کوتاه‌مدت و بازدیدهای علمی-آموزشی هم در دستور کار دیپلماسی عمومی آمریکا وجود داشت. دکتر فرهنگ مهر-مدیرکل بیمه ایران و رئیس دانشگاه پهلوی- که از سفری افتخاری از آمریکا برگشته بود، در این سفر کاملاً تحت تأثیر وسعت و قدرت آمریکا قرار گرفته بود. از دید او مردم آمریکا کاملاً متفاوت‌اند و روح و احساسی زنده در جامعه آمریکا جریان دارد (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۸، صص ۷۱۲). در سندی به تاریخ دوم شهریور ۱۳۳۹، درباره متین دفتری-عضو جبهه ملی و نوه دکتر مصدق- آمده است: دوستان آمریکایی خاورمیانه امروز اعطای همکاری افتخاری با کنگره را به آقای متین دفتری اعلام کرد. متین دفتری ماه آینده ایران را به قصد واشنگتن دی سی ترک خواهد کرد و نه ماه را در آنجا به عنوان دستیار یک یا چند عضو کنگره و سنای آمریکا خواهد گذراند. او اولین ایرانی است که به وصول این جایزه ۵۰۰۰ دلاری مفتخر می‌شود. دوستان آمریکایی خاورمیانه که متقبل این برنامه است، موسسه‌ای خصوصی، غیرانتفاعی و آمریکایی است که خود را وقف بهبود تفاهم بین مردم آمریکا و کشورهای خاورمیانه کرده است. این مؤسسه در تهران مجری یک برنامه مشاوره و راهنمایی دانشجویی برای کمک به دانشجویان عازم آمریکا است. برنامه دیگر این مؤسسه به کارگیری منابع فردی برای کمک به این دانشجویان برای کسب شغل و انطباق با محیط در زمان بازگشت به ایران است. کتابخانه یادبود جان ترونر برای کمک فنی و علمی به دانش‌آموختگان دانشگاه‌های آمریکایی و همگامی آن‌ها با آخرین تحولات در رشته تحصیلی‌شان ایجاد شده است. دوستان آمریکایی خاورمیانه همچنین برنامه‌های مردم برای مردم را نیز اجرا می‌کند که اعطای مذکور نمونه‌ای از آن است (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱). در سال ۱۳۵۸ و قبل از تسخیر سفارت، هنوز سیاستمداران آمریکا به تداوم برنامه‌هایشان در ایران امیدوار بودند و دنبال برنامه‌هایی برای «شناسایی زمینه‌هایی برای ایجاد ارتباط با ایران در زمینه دیپلماسی عمومی» بودند. آن‌ها یکی از برنامه‌های مهم در این زمینه را تداوم فعالیت کمیسیون فولبرایت می‌دانند و پیشنهاد می‌کنند که ایالات متحده حمایت مالی خود را از این برنامه ادامه دهد (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۳۳۳ و ۳۳۴).



برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و هنری

جذب افراد در نهادها و مؤسسات وابسته به آمریکا: مؤسسات و نهادهای متعدد آمریکایی مشغول فعالیت در ایران با ارتباط‌گیری شخصی و سازمانی درصدد جذب نخبگان بودند. آن‌ها همواره مشغول اجرای برنامه‌های متعددی برای جوانان، دانشجویان و اقشار مختلف جامعه بودند و با ارتباط‌گیری با افراد و جلب همکاری آن‌ها سعی در پیشبرد برنامه‌هایشان داشتند. ایجاد روابط دوستانه با افراد و به‌ویژه نخبگان به‌صورت انفرادی و شخصی بسیار مهم بود؛ زیرا از طریق چنین تماس‌هایی شخصی، روابطی بین نهادها و مؤسسات به‌وجود می‌آمد و این خود می‌توانست روابط متقابل را گسترده و مستحکم سازد (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۳۳). نهادهای متعددی در راستای دیپلماسی عمومی آمریکا در ایران مشغول به‌کار بودند. انجمن ایران و آمریکا نهادی با سابقه بود که حدود ۵۰ سال در ایران فعالیت کرد و علاوه بر تهران، شعبه‌هایی نیز در اصفهان و شیراز ایجاد کرد. این انجمن، برنامه‌های متعدد فرهنگی، ورزشی و هنری اجرا می‌کرد. آموزش زبان انگلیسی و ایجاد کتابخانه از برنامه‌های محوری این انجمن بود (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۳۴). بسیاری از نخبگان علمی و فرهنگی و سیاسی ایران عضو این انجمن بودند. خلیل طالقانی و همسرش در دبیرستان آمریکایی تبریز و کالج آمریکایی تهران تحصیل کرده بودند. طالقانی پست‌های عمده‌ای چون وزارت داشت و با همسرش عضو هیئت‌مدیره انجمن بودند؛ طالقانی همچنین در سال ۱۳۵۱ رئیس هیئت‌مدیره انجمن بود (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۵۷۵). محسن فروغی - پسر محمدعلی فروغی - از شخصیت‌های تحصیل‌کرده ایرانی و مدت‌ها سفیر ایران در واشنگتن بود؛ او از نوامبر ۱۹۷۶ رئیس هیئت‌مدیره انجمن بود (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۶۱۷).

دفتر همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی (USICA) در آستانه انقلاب در ایران بسیار فعال بود. سازمان بین‌المللی ارتباطات (ICA) سازمان دیگری بود که در این زمینه فعالیت وسیعی داشت. این سازمان در سال ۱۳۵۶ دارای ۱۴ کارمند آمریکایی و ۱۷ کارمند محلی با برنامه‌هایی وسیع بود و در استان‌ها از طریق انجمن ایران و آمریکا فعالیت‌های خود را اجرا می‌کرد. ساختمان این سازمان در تهران شامل یک دفتر کار بزرگ، یک مرکز فرهنگی مجهز و یک مرکز دانشگاهی قابل قبول بود. بر اساس گزارشی، این سازمان نقشی مهم در فعالیت‌های فرهنگی سال‌های پایانی سلطنت پهلوی داشته است. گزارشگر معتقد است که این سازمان به‌خوبی توانسته است خودش را با تغییرات ایران انطباق دهد و توجه خود را بر همه اقشار جامعه برای آشنایی با آمریکا متمرکز کند. این سازمان با تقویت برنامه‌های فارسی خود درصدد است تا ایرانیان بیشتری را جذب کند؛ از جمله فیلم‌هایی به زبان



فارسی به نمایش درمی آورد و برنامه‌هایی در زمینه باستان‌شناسی، فرهنگ و تاریخ ایران اجرا می‌کرد (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۶، صص ۸۷۶ و ۸۷۷). بنیاد جانسون، مرکز شرق و غرب، کمیسیون فولبرایت و ده‌ها بنیاد و موسسه آمریکایی دیگر در زمینه دیپلماتی عمومی در ایران فعال بودند (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۳۳۴). استیوارد راکول، کاردار سفارت آمریکا در تهران، در سال‌های آغازین دهه چهل از وزارت خارجه می‌خواهد که زمینه هرچه بیشتر مبادلات فرهنگی و فکری را فراهم کند. او با توجه به ناراضیاتی اکثریت مردم ایران از حضور رسمی آمریکا در ایران، پیشنهاد می‌کند که با ایجاد مؤسسات مطالعات ایرانی در دانشگاه‌های ایران، حضور دانشمندان آمریکایی در ایران پررنگ‌تر شود. او تأکید می‌کند که بازدید ریچارد اتینگهاوزن از ایران که اخیراً انجام شده، تأثیر مثبتی برجای گذاشته است. از دیگر پیشنهادهای او عبارت‌اند از:

- توسعه برنامه فولبرایت برای معلمان ایرانی زبان انگلیسی؛ چون حضور چنین معلمانی به بهبود دیدگاه آنان درباره آمریکا منجر خواهد شد و همچنین توسعه برنامه تدریس زبان انگلیسی فولبرایت و استفاده از سپاهیان صلح برای تدریس زبان انگلیسی
Basic English

- تلاش برای حضور دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های معتبر آمریکایی و جلوگیری از حضور آن‌ها در دانشگاه‌های غیرمعتبر؛

- برقراری مرکز مطالعات آمریکایی در دانشگاه‌های تهران، مشهد و پهلوی شیراز؛
- دوبرابر کردن نمایش‌ها با توجه بیشتر به حضور جوانان؛ چون خود شاه هم خواستار حضور گروه‌های ارکستر، رقص و نمایش آمریکایی در ایران شده بود؛
- حضور مأموران جوان اداره اطلاعات آمریکا در دانشگاه‌های ایران و تحصیل تمام‌وقت آن‌ها با رسالت تحت‌تأثیر قرارداد افکار عمومی دانشجویان در جهت منافع ایالات متحده همانند کشورهای آمریکای لاتین؛

- توسعه مرکز دانشجویی انجمن ایران و آمریکا در کنار دانشگاه تهران؛
- برقراری مراکز دانشجویی مشابه در مشهد و شیراز؛
- تأسیس کتابخانه اداره اطلاعات آمریکا در تبریز که تنها شهر مهم دانشگاهی است که فاقد کتابخانه و اداره اطلاعات آمریکاست؛

- توسعه برنامه تولید فیلم مستند با تأکید بر موضوعات مثبت مربوط به مدرنیزه کردن ایران؛
- دوبرابر کردن تیراژ نشریه «پژوهنده» اداره اطلاعات آمریکا که مخصوص افراد تحصیل کرده و شامل تجدید چاپ مقالات روزنامه‌های آمریکاست و اکنون در تیراژ ده‌هزار نسخه چاپ می‌شود؛



- تدریس زبان انگلیسی در دانشگاه‌ها که به برنامه basic English معروف است (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۳۱۴).

نوسازی نظام اقتصادی، اجتماعی و آموزشی ایران بر اساس الگوی آمریکایی از اهداف این برنامه‌ها بود. برای نمونه در سندی اشاره شده که منافع آمریکا در این است که روابط نزدیکی با ایران داشته باشد و عناصر علاقه‌مند به مدرنیزه کردن را تشویق کند. مادامی که شاه بر ایران تسلط دارد، ما باید روابطمان را با دیگر گروه‌های جامعه ایران حفظ کنیم تا کسانی را که بعد از شاه ممکن است به قدرت برسند، شناسایی کنیم. درجه نفوذ آمریکا در زمینه تحصیلات در دولت جدید به این وسیله مشخص می‌شود که در حال حاضر ۶۰ درصد کابینه، یا تمام یا قسمتی از تحصیلاتشان را در آمریکا گذرانده‌اند (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۴۸).

با وجود همه این برنامه‌ها چنان‌که از اسناد برمی‌آید هرچه سال‌های انقلاب نزدیک‌تر می‌شد، نارضایتی و انتقاد و عصبانیت از آمریکا هم افزایش می‌یافت. برای نمونه گزارشی از جان د. استمپل، مشاور سیاسی سفارت آمریکا در تهران به تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۵ با طبقه‌بندی خیلی محرمانه اظهار می‌دارد: از اقدامات سفارت نظرسنجی از نخبگان ایرانی درباره طرز فکر ایرانی‌ها درباره آمریکایی‌ها بوده است؛ نظرسنجی از حدود ۲۶ نفر که اکثرشان نخبگان طبقه بالا یا متوسط جامعه ایران بوده‌اند. برخی به انتقاد از رفتار آمریکایی‌های مقیم ایران پرداخته‌اند و طرز رانندگی، شراب‌خواری و عربده‌کشی آن‌ها را یادآور شده‌اند. اکثر اعضای این گروه در حمایت از برنامه‌های رادیو و تلویزیون نیروهای آمریکایی سخن گفته‌اند و اعلام کرده‌اند که این برنامه‌ها را دنبال و تماشا می‌کنند (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۷۵۲). در اکثر گزارش‌های آمریکایی‌ها از ایران، نارضایتی و عصبانیت ایرانی‌ها از سیاست‌های آمریکا به چشم می‌خورد. در گزارشی از سفارت آمریکا در ایران، به تاریخ ۸ دی‌ماه ۱۳۵۷ آمده است که ایرانیان ساده‌لوح و مطلع، همگی آمریکا را مسئول مشکلات فعلی ایران می‌دانند... در حالی که تماس‌های شخصی و دونفره ایرانی‌ها و آمریکایی‌ها اکثراً گرم و دوستانه است، ولی مشاهده یک آمریکایی از مسافت دور کافی است که از او به‌عنوان عامل منفی، ناآشنا و در نهایت عامل دخالت و اغتشاش یاد شود. همه سطوح جامعه ایرانی، آمریکا را به‌عنوان دولت نامرئی حاکم در ایران می‌بینند. وقایع این روزها چه خوب و چه بد، به‌عنوان نتیجه و مداخله آمریکا، سازمان سیا و کمپانی‌های نفتی شناخته می‌شود و در هر حال از دولت آمریکا به دلیل کم‌کاری و اقدام نکردن به‌موقع انتقاد می‌کنند (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۳، صص ۱۳۶۳-۱۳۶۴). تعارض بین سیاست رسمی و دیپلماسی عمومی آمریکا چیزی نبود



که از دید ایرانیان آگاه مخفی بماند. بسیاری از ایرانیان از «ایالات متحده به خاطر این که چیزی می گوید و چیز دیگری عمل می کند و از رژیم حمایت می کند که به میزان زیادی با ایده های آمریکا درباره جامعه و زندگی دمکراتیک فاصله دارد» انتقاد می کنند (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۴۷۴). انتقادات در این سال ها به اقدامات مسلحانه تبدیل شد، به طوری که تعدادی از اتباع آمریکایی از جمله سرهنگ شفرنر و ترنر در تهران ترور شدند (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۲۱).

در پژوهش حاضر، ابتدا مفاهیمی دال بر دیپلماسی عمومی آمریکا با استفاده از کتاب ۸ جلدی اسناد لائنه جاسوسی آمریکا استخراج شد و سپس این مفاهیم بر اساس نزدیکی و قرابت مفهومی مقوله بندی شد که در نهایت ۲۸ مقوله به دست آمد؛ به عبارت دیگر این مقولات اقداماتی است که در چارچوب دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران انجام شده است.

در جدول زیر این مقولات و مفاهیم به همراه منابع آن ها آمده است:

ردیف	مقوله ها	مفاهیم	منبع
۱	آموزش زبان انگلیسی	۱. زبان انگلیسی	جلد اول، ص ۶۲
		۲. آموزش زبان انگلیسی	جلد اول، ص ۱۰۸
		۳. تدریس انگلیسی	جلد اول، ص ۱۱۵
		۴. کلاس های انگلیسی	جلد اول، ص ۲۲۷
		۵. دوره های زبان انگلیسی	جلد اول، ص ۳۰۵
		۶. حمایت از تدریس زبان انگلیسی	جلد دوم، ص ۲۷۲
		۷. تدریس زبان انگلیسی	جلد دوم، ص ۶۲۴
		۸. کلاس های انگلیسی برای ایرانیان	جلد چهارم، ص ۲۷۳
		۹. آموزش زبان انگلیسی	جلد ششم، ص ۸۷۷
۲	استفاده از رسانه	۱. صدای آمریکا (VOA)	جلد اول، ص ۶۲
		۲. صدای آمریکا (VOA)	جلد اول، ص ۷۱
		۳. نقش رادیو؛ صدای آمریکا (VOA)	جلد اول، ص ۱۰۸
		۴. افزایش برنامه رادیو صدای آمریکا (VOA)	جلد اول، ص ۱۴۴
		۵. دادن اطلاعات درباره ایالات متحده از طریق رسانه های گروهی	جلد اول، ص ۷۰۷
		۶. توجه به وسایل ارتباط جمعی	جلد دوم، ص ۲۸۶
		۷. پخش برنامه های فارسی از صدای آمریکا	جلد ششم، ص ۸۷۷

جدول ۱

مقولات و مفاهیم موجود در اسناد
منتشر شده سفارت آمریکا در ایران



ردیف	مقوله‌ها	مفہیم	منبع
۳	جذب دانشجویان ایرانی برای تحصیل در آمریکا	۱. تحصیل تعداد زیاد دانشجویان ایرانی در آمریکا ۲. تحصیل دانشجویان ایرانی در آمریکا ۳. افزایش تحصیل ایرانیان در همه سطوح در آمریکا ۴. کوششی ویژه برای پرورش دانشجویان ۵. تحصیل جوانان و دانشجویان ایرانی در آمریکا ۶. دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا	جلد اول، ص ۴۲۸ جلد اول، ص ۴۵۳ جلد اول، ص ۷۰۷ جلد دوم، ص ۶۱۰ جلد دوم، ص ۶۲۵ جلد ششم، ص ۸۷۷
۴	اهمیت دادن به زبان فارسی در اذهان ایرانیان و آموزش آن به کارمندان سفارت آمریکا	۱. آموزش زبان فارسی به کارمندان سیاسی و اقتصادی سفارت ۲. ایجاد مؤسسه آمریکایی مطالعات فارسی در تهران ۳. کلاس‌های فارسی برای آمریکاییان ۴. تقویت عنصر فارسی برنامه‌های سازمان ارتباطات بین‌المللی ۵. نمایش فیلم‌هایی به زبان فارسی توسط سازمان ارتباطات بین‌المللی	جلد دوم، ص ۲۸۶ جلد دوم، ص ۶۲۵ جلد چهارم، ص ۳۷۳ جلد ششم، ص ۸۷۷ جلد ششم، ص ۸۷۷
۵	هم‌نوایی با فرهنگ و هنر ایرانیان در ایران	۱. نمایش فیلم‌های ایرانی در ایران توسط آمریکاییان ۲. برگزاری نمایشگاه آثار و هنر ایرانی و کارهای هنری بچه‌های ایرانی در ایران توسط آمریکاییان	جلد اول، ص ۲۲۷ جلد اول، ص ۲۲۷
۶	توجه به افکار عمومی	۱. توجه به افکار عمومی ۲. افکار عمومی ۳. پیوند با رهبران افکار عمومی	جلد اول، ص ۳۱ جلد اول، ص ۶۲ جلد اول، ص ۴۵۳
۷	انتشار و توزیع مجلات	۱. انتشار مجلات ۲. توزیع مجلات ۳. مطبوعات ۴. توزیع نشریاتی که حاوی مقالات منتشرشده در مجلات آمریکایی است.	جلد اول، ص ۶۲ جلد دوم، ص ۳۷۲ جلد دوم، ص ۳۷۲ جلد دوم، ص ۶۲۶
۸	راه‌اندازی کتابخانه	۱. کتابخانه ۲. کتابخانه ۳. کتابخانه ۴. کتابخانه	جلد اول، ص ۱۰۸ جلد اول، ص ۲۲۷ جلد دوم، ص ۳۷۲ جلد ششم، ص ۲۷۳
۹	ایجاد مراکز و آژانس‌های مشترک	۱. بهره‌برداری از آژانس‌ها و انجمن‌های مشترک ۲. پشتیبانی از مراکز دولتی (انجمن‌های ایران و آمریکا) ۳. توسعه مراکز دانشجویی انجمن ایران و آمریکا ۴. برپایی مراکز دانشجویی در مشهد و شیراز ۵. انجمن ایران و آمریکا و وظایف آن	جلد اول، ص ۱۰۸ جلد دوم، ص ۳۷۲ جلد دوم، ص ۶۲۶ جلد دوم، ص ۶۲۶ جلد ششم، ص ۲۷۳

ادامه جدول ۱

مقولات و مفاهیم موجود در اسناد منتشر شده سفارت آمریکا در ایران



ردیف	مقوله‌ها	مفاهیم	منبع
۱۰	حضور دانشمندان آمریکایی در ایران	۱. مصاحبه با ایران‌شناسان آمریکایی ۲. تدریس مربیان آمریکایی در نهادهای آموزشی و دانشگاه‌های ایران ۳. مسافرت محققان و شخصیت‌های اجتماعی آمریکا به ایران ۴. حضور دانشمندان درجه اول آمریکایی در زمینه فرهنگ و تمدن ایران در ایران ۵. سخنرانی متخصصان آمریکایی در زمینه باستان‌شناسی، فرهنگ و تاریخ ایران	جلد اول، ص ۱۰۸ جلد اول، ص ۷۰۷ جلد اول، ص ۱۱۵ جلد دوم، ص ۶۲۵ جلد ششم، ص ۸۷۷
۱۱	بهره‌گیری از دانشمندان ایرانی	۱. دعوت از محققان اسلامی و شخصیت‌های مذهبی ایران به آمریکا ۲. دعوت از محققان ایرانی به آمریکا در رابطه با موضوعاتی که جدال‌انگیز نباشند.	جلد اول، ص ۱۱۵ جلد اول، ص ۱۱۵
۱۲	برقراری ارتباطات بین برگزیدگان ایرانی و آمریکایی	۱. دیدارهای مکرر مقامات ایرانی از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف آمریکا ۲. ارتباطات بین برگزیدگان سیاسی ایران و آمریکا ۳. سخنرانی سفیر ۴. دیدار دانشمندان برجسته آمریکایی با اندیشمندان ایرانی ۵. ارتباط اهل‌قلم و دانشمندان آمریکایی با متفکران سیاسی	جلد اول، ص ۴۵۳ جلد اول، ص ۷۰۷ جلد دوم، ص ۶۲۲ جلد دوم، ص ۶۲۲ جلد دوم، ص ۶۳۳
۱۳	بهره‌مندی از گردشگری برای برقراری ارتباطات بین مردم دو کشور	۱. اعزام افراد ۲. دیدار آمریکاییان از ایران ۳. دیدار ایرانیان از ایالات متحده ۴. ارائه خدمات روادیدی مناسب ۵. هدف قراردادن ایرانیانی که کمتر با آمریکا آشنا هستند.	جلد اول، ص ۶۲ جلد اول، ص ۴۵۳ جلد اول، ص ۴۵۳ جلد اول، ص ۴۵۳ جلد ششم، ص ۸۷۷
۱۴	تحصیل مأموران اداره اطلاعات آمریکا در دانشگاه‌های ایران	۱. تحصیل مأموران جوان اداره اطلاعات آمریکا در دانشگاه تهران با هدف تحت تأثیر قراردادن افکار عمومی دانشجویان ایرانی	جلد دوم، ص ۶۲۶
۱۵	ارائه مشاوره به دانشجویان	۱. ارائه مشاوره به دانشجویان ۲. ارائه مشاوره دانشجویی ۳. مشاوره و معارفه	جلد اول، ص ۲۲۷ و ۳۰۵ جلد دوم، ص ۲۷۲ جلد ششم، ص ۸۷۷

ادامه جدول ۱

مقولات و مفاهیم موجود در اسناد منتشر شده سفارت آمریکا در ایران



ردیف	مقوله‌ها	مفہیم	منبع
۱۶	مخاطب قراردادن نخبگان ایرانی	۱. مدیریت کردن دانشجویان اسلامی و ایرانی خبره و ماهر ۲. ارتباط هدفمند با گروه‌های برگزیده و اندیشمندان ایرانی ۳. هدف قراردادن نخبگان ایرانی جهان‌دیده و ماهر در زبان	جلد اول، ص ۱۱۵ جلد دوم، ص ۶۲۳ جلد ششم، ص ۸۷۷
۱۷	برقراری ارتباط بین دانشگاه‌های دو کشور	۱. دعوت مؤسسات آموزشی آمریکایی خارج از ایران از دانشگاهیان ایرانی ۲. رابطه دانشگاه‌های آمریکا با مؤسسات آموزشی ایران ۳. پیوندهای دانشگاهی بین ایران و آمریکا ۴. برپایی مرکز مطالعات آمریکایی در دانشگاه‌های ایران	جلد اول، ص ۱۱۵ جلد اول، ص ۴۲۸ جلد اول، ص ۷۰۷ جلد دوم، ص ۶۲۶
۱۸	سیاست حمایتی و طرفداری	۱. شرکت ایرانیان در مجامع چندمذهبی بین‌المللی ۲. پشتیبانی از ایران در تریبون‌های تبلیغاتی بین‌المللی درباره مسائل اقتصادی و سیاسی موردعلاقه حکومت آمریکا ۳. دعوت از ایرانیان برای شرکت در برنامه‌های مبادله بین‌منطقه‌ای	جلد اول، ص ۱۰۸ جلد اول، ص ۴۵۳ جلد اول، ص ۱۱۵
۱۹	پرورش متخصص در زمینه ایران	۱. پرورش متخصص مذهب اسلام ۲. پرورش متخصص فرهنگی	جلد اول، ص ۱۰۸ جلد اول، ص ۱۰۸
۲۰	آشناکردن آمریکاییان ساکن ایران با فرهنگ ایرانی	۱. توجیه کارمندان شرکت‌های خصوصی آمریکایی و خانواده‌هایشان درباره فرهنگ ایران ۲. مسافرت کارمندان آمریکایی ساکن ایران در داخل ایران	جلد اول، ص ۴۰۷ جلد دوم، ص ۲۸۶
۲۱	بهره‌مندی از مزایای فرهنگ و ارزش‌های آمریکایی	استفاده از مزایای فرهنگ آمریکایی مانند: احترام و تحمل سایر مذاهب، پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی، برابری اساس آموزش و پرورش آمریکایی، کیفیت مطلوب تحصیلات دانشگاهی در آمریکا برای ایرانیان، حفظ حقوق فرد و ایجاد موازنه بین منافع شخصی و صلح عمومی	جلد دوم، ص ۲۴۵
۲۲	انجام فعالیت‌های فرهنگی در ایران	۱. نمایش فیلم‌های آمریکایی در تلویزیون ایران ۲. فعالیت در امور فرهنگی ۳. مسابقه مقاله‌نویسی در رابطه با رخداد‌های مشترک ۴. افزایش برنامه‌های نمایشی با توجه بیشتر به اندیشمندان جوان ۵. گسترش برنامه‌های فرهنگی مانند دیدار ارکسترها، گروه‌های رقص و موسیقی‌دانان از ایران	جلد اول، ص ۱۴۲ جلد اول، ص ۴۵۳ جلد دوم، ص ۶۲۲ جلد دوم، ص ۶۲۶ جلد دوم، ص ۶۲۶

ادامه جدول ۱

مقولات و مفاهیم موجود در اسناد
منتشر شده سفارت آمریکا در ایران



ردیف	مقوله‌ها	مفاهیم	منبع
۲۳	ارائه چهره مطلوب از آمریکاییان	۱. گرفتن موضع در زمینه اتهامات وارد شده بر آمریکا ۲. کاستن از مشکلات بالقوه مربوط به گسترش جامعه آمریکایی در ایران ۳. ملایم کردن مشکلاتی که توسط آمریکاییان رخ داده است.	جلد اول، ص ۱۴۱ جلد اول، ص ۴۲۱ جلد دوم، ص ۶۲۲
۲۴	نشان دادن علاقه آمریکاییان به ایران و اسلام	۱. جشن هزار و چهارصدمین سالگرد هجرت ۲. استفاده از هر چیزی که علاقه آمریکا را به اسلام و فرهنگ ایرانی و ارزش‌های معنوی نشان دهد.	جلد اول، ص ۱۰۸ جلد اول، ص ۲۲۷
۲۵	مذاکره با همه	۱. مذاکره با مخالفان ۲. تماس با تمام گروه‌های سیاسی	جلد اول، ص ۱۴۲ جلد دوم، ص ۲۸۶
۲۶	پرهیز از ایجاد حساسیت در جامعه ایرانی	۱. پرداختن به مسائل حاشیه‌ای و غیراختلاف برانگیز ۲. واقع‌گرایی و پرهیز از تغییرات کلی ۳. دست‌کاری کمتر سیر طبیعی جریان‌ها	جلد اول، ص ۲۲۷ جلد دوم، ص ۶۲۲ جلد سوم، ص ۲۷۱
۲۷	نشان دادن و برجسته کردن پیشرفت‌های ایران در سایه رابطه با آمریکا	۱. تولید فیلم مستند با تأکید بر موضوعات مثبت مربوط به مدرنیزه کردن ایران ۲. کمک به مصرف درآمدهای سریع‌الرشد در راه سازندگی	جلد دوم، ص ۶۲۶ جلد چهارم، ص ۲۳۵
۲۸	تلاش برای نزدیکی به جوانان	تشکیل مجتمع تفکر جوانان در سفارت برای نزدیکی به جوانان ایرانی	جلد اول، ص ۴۰۷

ادامه جدول ۱

مقولات و مفاهیم موجود در اسناد منتشر شده سفارت آمریکا در ایران

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از بررسی و تحلیل اسناد لائنه جاسوسی نشان می‌دهد که دیپلماسی عمومی، از دهه چهل در برنامه‌ها و سیاست‌های آمریکا در ایران جایگاه خاصی داشته است. شناسایی نخبگان فرهنگی، هنری، سیاسی و دانشگاهی و ارتباط‌گیری با آنها از راه‌های مختلف و دادن بورس‌های گوناگون در این موضوع جایگاه خاصی داشته است. فعالیت‌های مربوط به دیپلماسی عمومی از طریق نهادهای غیردولتی و بنیادهای خصوصی مانند دوستان آمریکایی خاورمیانه، کارنگی، راکفلر و انجمن ایران و آمریکا انجام می‌شد. تلاش برای نشان دادن جامعه و سیستم سیاسی و ارزش‌های آمریکایی به عنوان ارزش‌های مطلوب و ایدئال، هدف اساسی برنامه‌های دیپلماسی عمومی بود. جوانان و به‌ویژه دانشجویان، هدف و مخاطب بسیاری از برنامه‌های فرهنگی آمریکا بودند و با توجه به نارضایتی این قشر از جمعیت ایرانی از حمایت آمریکا از رژیم شاه، برنامه‌های متعددی برای تغییر نگرش آنها پیاده می‌شد. استفاده از رسانه



برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی یکی از شیوه‌های آمریکا در ایران بود؛ از جمله صدای آمریکا، برنامه‌های تلویزیون آمریکا در ایران و نشریات مختلفی که در ایران منتشر می‌شدند. برنامه‌های علمی و آموزشی به‌ویژه آموزش زبان انگلیسی، دادن مشاوره به دانشجویان ایرانی، اعطای بورس تحصیلی، ایجاد کتابخانه و حضور اندیشمندان آمریکایی در ایران با هدف تحت تأثیر قرار دادن دانشجویان و جوانان ایرانی بود. ولی با وجود این دیپلماسی گسترده باز هم به نظر می‌رسد که نارضایتی جوانان و دانشجویان و اکثریت جامعه ایران از آمریکا به دلیل تناقض بین دیپلماسی عمومی و رسمی این کشور روندی فزاینده داشته است.

منبع

کتاب

- اسناد لانه جاسوسی آمریکا. (۱۳۷۹). (دانشجویان پیرو خط امام، کوشش گران). تهران: انتشارات جهان کتاب.
- ایزدی، فؤاد. (۱۳۹۰). *دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- درویش، رضاداد. (۱۳۸۴). *دیپلماسی عمومی آمریکا در جهان اسلام: کتاب آمریکا ۶*. تهران: موسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- سولیوان، ویلیام؛ پارسونز، سرآنتونی. (۱۳۸۴). *خاطرات دو سفیر: اسراری از سقوط شاه و نقش آمریکا و انگلیس در انقلاب ایران*. (محمود طلوعی، مترجم). نشر علم.
- صبوری، ضیاءالدین. (۱۳۹۰). *قدرت نرم آمریکا در حوزه سیاست خارجی و امنیتی (مبانی، تحولات و پیامدها)*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- عسگری، محمود. (۱۳۹۰). *جنگ نرم در عرصه دفاع ملی: (ابعاد نظری و کاربردی)*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- علی‌پور، جواد. (۱۳۹۰). *نقش قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران: از نرم‌افزارگرایی کلیتون تا سخت‌افزارگرایی بوش*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- گروه مطالعات امنیت دانشکده امنیت ملی. (۱۳۹۰). *تحکیم اقتدار (راهبردها و روندها)*. تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- معلوف، امین. (۱۳۹۰). *دنیای بی‌سامان: زمانی که تمدن‌هایمان فرسوده می‌شوند*. (عبدالحسین نیک‌گهر، مترجم). تهران: نی.
- نائینی، علی محمد. (۱۳۹۱). *اصول و مبانی جنگ نرم*. تهران: ساقی.
- نای، جوزف. اس. (۱۳۸۹). *قدرت نرم*. (سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، مترجمان). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).



مقاله

- ایزدی، فؤاد؛ کاردان، عباس. (۱۳۹۰). «جنگ نرم، دموکراسی سازی آمریکایی و نظریه امپریالیسم فرهنگی». فصل نامه راهبرد فرهنگ، دوره ۴، شماره ۱۶، صص ۷۷-۱۰۵.
- ایزدی، فؤاد؛ ماه پیشانیان، مهسا. (۱۳۹۰). «دیپلماسی عمومی آمریکا در خاورمیانه؛ تداوم یا تفاوت؟». دوفصل نامه علمی- پژوهشی دین و ارتباطات، سال ۱۸، شماره ۲ (پیاپی ۴۰)، صص ۳۳-۶۷.
- بصیری، محمدعلی. (۱۳۹۱). «جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران (روش ها، ابزارها و راهکارها)». فصل نامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱۵۱-۱۷۷.
- پوستین چی، زهره؛ بالازاده، محمد. (۱۳۹۲). «تأثیر دیپلماسی عمومی آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی از سال ۲۰۰۷-۲۰۱۱)». فصل نامه راهبرد دفاعی، سال ۱۱، شماره ۴۴، صص ۷۷-۱۱۳.
- رضایی، ناصر. (۱۳۹۳). «تحلیل جایگاه دیپلماسی عمومی در گردشگری ایران». فصل نامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره دوم، صص ۱۶۰-۱۸۸.
- سجادپور، سید محمد کاظم؛ وحیدی، موسی الرضا. (۱۳۹۰). «دیپلماسی عمومی نوین: چارچوب های مفهومی و عملیاتی». فصل نامه سیاست، دوره ۴۱ شماره ۴، صص ۷۷-۹۵، قابل دسترس در SID.
- قزوینی، حمید. (۱۳۸۸). «آیت الله بهشتی و اسناد لانه جاسوسی». فصل نامه مطالعات تاریخی، شماره ۲۵، صص ۱۴۹-۱۸۱، قابل دسترس در پرتال جامع علوم انسانی.
- گروه پژوهش بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر. (۱۳۸۵). «ریشه های انقلاب اسلامی در چشم انداز اسناد لانه جاسوسی آمریکا در ایران». فصل نامه ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۰۸، قابل دسترس در پورتال جامع علوم انسانی.
- منظورالاجداد، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۸). «مجموعه اسناد لانه جاسوسی؛ ضرورت نگاه دوباره». فصل نامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۱، صص ۱۶۹.

مصاحبه

آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۳). «افکار عمومی چیست؟». قابل دسترس در <http://danakhabar.com>.

منابع اینترنتی

- عابدینی، الهام. (۱۳۹۴). «پروپاگاندا ی رسانه و دیپلماسی عمومی». قابل دسترس در [http://puyesh.net/](http://puyesh.net/fa/news/33809)
- مانی فر، محمدرضا. (۱۳۹۲). «افکار عمومی چگونه شکل می گیرد؟». قابل دسترس در <http://mrf1356.blogfa.com>
- میرمحمدصادقی، سید مهدی. (۱۳۹۴). «نگاهی به دیپلماسی عمومی ایران در طول مذاکرات هسته ای». قابل دسترس در <https://www.khabaronline.ir/detail/450571/World/diplomacy>



منابع لاتین

- Blake, Kristen. (2009). *The u.s.–Soviet Confrontation in Iran (1945-1962): a case in the annals of the Cold War*. university press of America, (lanham, Boulder, New York, Toronto).
- Rugh, William a. (2009). *Toward a new public diplomacy (redirection u.s. foreign policy), (the case for soft power)*. (edited by: Philip seib). palgrave macmilan us. Resource English translation
- Abedini, Elham. (1394/2015). “Poropāgāndā-ye resāne va diplomāsi-ye ’omumi (Media propaganda and public diplomacy)”. Retrieved from, <http://puyesh.net/fa/news/33809>.
- Alipour, Javad. (1390/2011). *Naqš-e qodrat-e narm dar siyāsāt-e xāreji-ye Āmirikā dar qebāl-e Irān: az narm-afzār-garā’i-ye Clinton ta saxt-afzār-garā’i-ye Bush*(The role of soft power in U.S. foreign policy opposite Iran: from Clinton’s soft policies to Bush’s hard ones). Tehran: ’Entešārāt-e Dānešgāh-e ’Emām Sādeq.
- Asgari, Mahmoud. (1390/2011). *Jang-e narm dar ’arse-ye defā’-e melli: ab’ād-e nazari va kārbordi* (Soft war in national defense: theoretical and applied dimensions). Tehran: ’Entešārāt-e Dānešgāh-e ’Emām Sādeq.
- Asnād-e Lāne-ye Jāsusi-ye Āmirikā* (Documents of U. S. espionage den). (1379/2000). Prepared by Dānešjuyān-e Mosalmān-e Peyro[w]-e Xat-e Emām. Tehran: ’Entešārāt-e Jahān-e Ketāb.
- Azad Armaki, Taghi. (1393/2014). “Afkār-e ’omumi Čist? (what is public thoughts?). Retrieved from, <http://danakhabar.com>.
- Basiri, Mohammad Ali. (1391/2012). “Jang-e narm ’alayh-e Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān: raves-hā, abzār-hā va rāhkār-hā (Soft war against Iran: methods and instruments)”. *Fasl-name-ye motāle’āt-e qodrat-e narm* (Soft power studies quarterly). 2(5), pp. 151-177.
- Blake, Kristen. (2009). *The U.S.–Soviet Confrontation in Iran (1945-1962): a case in the annals of the Cold War*. University press of America, (lanham, Boulder, New York, Toronto).
- Darvish, Rezadad. (1384/2006). *Diplomāsi-ye ’omumi-ye Āmirikā dar jahān-e ’Eslām* (U.S. public diplomacy in Islamic world). Tehran: Mo’assese-ye Farhangi va



- Motāle'āt va Tahqīqāt-e Beynolmelali-ye Abrār-e Mošser.
- Ghazvini, Hamid. (1388/2009). "Āyatollāh Behešti va Asnād-e Lāne-ye Jāsusi (Ayatollah Beheshti and documents of U. S. espionage den)". *Fasl-name-ye motāle'āt-e tārixī* (Historical studies quarterly). 25, pp. 149-81.
- Goruh-e Motāleāt-e Amniyat-e Daneškade-ye Amniyat-e Melli (Security Studies Committee of Faculty of National Security). (1390/2011). *Tahkim-e 'eqtedār: rāhbord-hā va ravand-hā* (consolidation of authority: strategies and trends). Tehran: 'Entešārāt-e Dānešgāh-e 'Āli-ye Defā'-e Melli.
- Goruh-e pažuheš-e Bonyād Tārixpažuhi-ye Irān Mo'āser (Historical Research foundation of Contemporary Iran). (1385/2007). "Riše-hā-ye enqelāb 'eślāmi dar Češmandāz-e asnād-e Lāne-ye Jāsusi-ye Āmrika dar Irān (Islamic revolution roots through documents of U. S. espionage den)". *Fasl-name-ye 15-e Xordād*. 3(9), pp.108.
- Izadi, Foad. (1390/2011). *Diplomāsi-ye 'omumi-ye Āmrikā dar qebāl-e Irān* (U.S. public diplomacy opposite Iran). Tehran: 'Entešārāt-e Dānešgāh-e 'Emām Sādeq.
- Izadi, foad; Kardan, Abbas. (1390/2011). "Jang-e narm, demokrāsi-sāzi-ye Āmrikā'i va nazariyye-ye amperiyālism-e farhangi (Soft war, U.S. democratization and the theory of cultural imperialism)". *Fasl-name-ye rāhbord-e farhang* (Strategy for culture journal quarterly), 4(4), pp. 77-105.
- Izadi, Foad; Mahpishanian, Mahsa. (1390/2011). "Diplomāsi-ye 'omumi-ye Āmrikādar Xavar-e-miyāne: tadāvom yā tafāvot? (U.S. public policy in the Middle East: persistence or difference?)". *Do[w]-fasl-name-ye dīn va 'ertebātāt* (Semi-annually journal of religion and communication). 18(2), pp. 33-67.
- Maalouf, Amin. (1390/2011). *Donyā-ye bi-sāmān: zamāni ke tamaddon-hā-yemān farsude mišavānd* (Le dérèglement du monde: quand nos civilisations s'épuisent. Translated by Abdol-hossein Nikgozar. Tehran: Ney.
- Manifar, Mohammad Reza. (1392/2013). "Afkār-e 'omumi Čegune šekl migirad? (How are public thoughts made?)". Retrieved from, <http://mrf1356.blogfa.com>.
- Manzourolajdad, Mohammad Hossein. (1378/1999). "Majmu'e-ye asnād-e Lāne-ye



- Jāsusi: zarurat-e negāh-e dobāre (Documents collection of U.S. espionage den: necessity of a second look)". *Fasl-name-ye tātix-e ravābet-e xāreji* (History of foreign relation history. 1, pp. 169.
- Mirmohammad Sadeghi, Mehdi. (1394/2015). "Negāhi be diplomāsi-ye 'omumi-ye Irān dar tul-e mozākerāt-e haste-'I (A review of Iran public diplomacy during nuclear negotiations)". Retrieved from, <https://www.khabaronline.ir/detail/450571/World/diplomacy>.
- Naeeni, Ali Mohammad. (1391/2012). '*Osul va mabāni-ye jang-e narm* (Principles and basics of soft war). Tehran: Sāqi.
- Nye, Joseph S. (1389/2010). *Qodrat-e Narm* (Soft power). Translated by Mohsen Rohani and Mehdi Zolfaghari. Tehran: 'Entešārāt-e Dānešgāh-e 'Emām Sādeq.
- Poustinchi, Zohreh; Balazadeh, Mohammad. (1392/2013). "Tā'sir-e diplomsī-ye 'omumi-ye Āmrikā bar amniyyat-e melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān: motālēe-ye moredi az sāl-e 2007-2011(The impact of America's public diplomacy on the national security of Islamic Republic of Iran)". *Fasl-name-ye rāhbord-e defā'i* (Defense strategy quarterly). 11(44), pp. 77-113.
- Rezaei, Naser. (1393/2014). "Tahlil-e Jāyghāh-e diplomāsi-ye 'omumi dar gardešgari-ye Irān (Analysis of public diplomacy in Iranian tourism industry)". *Fasl-name-ye žepoletik* (Geopolitics quarterly). 10(2), pp. 160-188.
- Rugh, William a. (2009). *Toward a new public diplomacy (redirection U.S. foreign policy), (the case for soft power)*. (edited by: Philip seib). palgrave macmilan us.
- Sabouri, ziaeddin. (1390/2011). *Qodrat-e narm-e Āmrikā dar ho[w]ze-ye siyāsat-e xāreji va amniyyati (mabāni, tahavvollāt va payāmad-ha)* (U.S. soft power in foreign and security policy (basics, developments and the result). Tehran: 'Entešārāt-e Dānešgāh-e 'Emām Sādeq.
- Sajjadpour, Mohammad Kazem; Vahidi, Mousalreza. (1390/2011). "Diplomāsi-ye 'omumi-ye novin: Čārčub-hā-ye mafhumi va amaliyāti (New public diplomacy: conceptual and practical framework)". *Fasl-name-ye siyāsat* (Politic Quarterly).41(4), pp. 77-95.



Sullivan, William; Parsons, Anthony. (1384/2006). *Xaterāt-e do[w] safir: asrāri az so-
qut-e šāh va naqš-e Āmrikā va 'Englis dar 'enqelāb-e Irān* (Memoirs of two am-
bassadors William Sullivan and Anthony Parsons. Translated by Mahmud Toloui.
Tehran: Našr-e Elm.

